

تفاوت فیلسوفان اشراقیه با فیلسوفان اشراقیه دیگر در این است که فیلسوفان اشراقیه دیگر به فلسفه اشراقیه به عنوان یک فلسفه جدید و متمایز از فلسفه اشراقیه دیگر نگاه می‌کنند و آن را به عنوان یک فلسفه جدید و متمایز از فلسفه اشراقیه دیگر می‌دانند. در حالی که فیلسوفان اشراقیه دیگر به فلسفه اشراقیه به عنوان یک فلسفه جدید و متمایز از فلسفه اشراقیه دیگر نگاه می‌کنند و آن را به عنوان یک فلسفه جدید و متمایز از فلسفه اشراقیه دیگر می‌دانند.

عبدالکریم موسوی

ترجمه از دائرة المعارف فرید وجدی

سقراط و اریستودیم

سقراط، که از بزرگان فلاسفه یونان بود در حقیقت گفته اند فلسفه را از آسمان بزمین آورد، هیچگاه اشتغال بتألیف و تصنیف نداشت و فلسفه وی بوسیله بحثها و مکالماتش منتشر میشد. افلاطون که بهترین شاگردانش بود پس از وی، روش فلسفی و عقاید علمی او را بیان کرد، و مطالبی هم بر آن افزود مادرا اینجا، اقوال او را، راجع

بمسئله خداشناسی از «اکسونوفون» نقل میکنیم. «اکسونوفون» یونانی معاصر سقراط، میگوید: یکروز در بین «سقراط» و «اریستودیم» در مسئله خداشناسی بحثی در گرفت، سقراط که شنیده بود اریستودیم خدا را پرستش نمی‌نماید و در راه او قربانی نمی‌کند، و نماز و دعا نمی‌خواند، و آلههائی را که توجه باین کارها دارند، استهزا می‌کند از او پرسید:

هیچ شده است که یکی از شاهکارهای علمی و صنعتی را به بینی و نظر تو را جلب کند و از استادی و مهارت مبتکر آن تعجب کنی و بزرگش شماری؟

اریستودیم: آری

سقراط: کیست؟

اریستودیم: در سردن اشعار تاریخی از قدرت و توانائی «پومیر» تعجب میکنم

و در حماسه سرامی اشعار «میلدیتید» بی اختیارم میکند. مرانی «سفوکل» سخت
مراتحت تاثیر قرار میدهد از مهارت «بوتیکلت» در فن مجسمه سازی منحیرم و در نقاشی
«روکیس» را بزرگ میشمارم!

سقراط: آنها بیکه صورتهای بی معنی، و مجسمه های بی جان میسازند، بزرگتر
و بستایش لایقترند یا آنکه حیات و شعور را خلق کرده، و بیکجهان حقایق و اسرار در ادراک
یک موجود زنده بودیعه گذارده است؟

داریستودیم: اگر جهان هستی با این مظاهر حیات و شعور، خالق داشته باشد
که چرخ عالم وجود بر محور تدبیر و اراده او بگردد، صورت را با سیرت و
جسم را با جهان بیافریند، او بیشتر در خود ستایش است اما اگر این جهان نتیجه
تصادف نباشد.

سقراط: کدام یک از دو صنعت را، که یکی ساده و کم فائده باشد، و دیگری
اسرار و فوائد بی شمار داشته باشد، باید نتیجه عقل و حکمت دانست و دلیل بر تدبیر و
مهارت گرفت.

داریستودیم: البته آنکه با نظام عمومی جهان سازگار است و فوائد و منافع
زیادتری دادارد.

سقراط: آیا نمی بینی آنکه انسان را با این صورت بدیع آفریده، هر عضوی از اعضای
وی را برای هدف معین با عنایت فرمود و او را از جهازات، و قواییکه، بکمال آنها؛
خارجیت جهان، و حقایق درک میکند بهره مند ساخته است؟ دو چشم بینا با داده که
بوسیله آنها زیبایی های جهان را ببیند، و دو گوش بوی عطا فرموده که شنیدنیها را
بشنود،

راستی اگر مایینی نداشتیم بوهای لطیف و روح پرور گلها و دریاچین را چگونه
درک میکردیم و از عطرهای جانبخش چگونه لذت میبردیم؟ چگونه ممکن بود بدون

داشتن زبان که تنها وسیله درک طعمهاست شیرینی و تلخی را بفهمیم ، و از لذت خوردن آنها و آشامیدن آنها برخوردار باشیم .

هیچ توجهی بر رمز آفرینش بلکهای چشم کرده ای که : چگونه این بلکها ما موریت خود را در حفظ حقیقه چشم بانهایت دقت انجام میدهند و با باز بسته شدن منظم خود در مواقع احتیاج کمک مؤثری مینمایند و چگونه در موقع خواب خود را سپر ساخته و بانهایت احتیاط و ظرافت با سبانی را انجام می آورند .

تدبیر و حکمتی که در انتخاب جای چشم بکار برده شده ، تا آنرا از آفت بادهای تند محفوظ بدارد شایان توجه است ابروها ، بایک مهارت و استادی ، در بالای چشم قرار داده شده است ، که از ریختن عرق بیشانی جلو گیری نماید وضع ساختمان گوش که از شنیدن آهنگها و صداها ، ملول و خسته نمیکردد ، و از درک آنها عاجز نیست و ترتیب و نظم دندانها که در جلو دندانهای تیز و برنده و در دو طرف دندانهاییکه برای جویدن است قرار داده شده ، از یک قدرت فوق العاده حکایت نمیکند .

دهانیکه باید بوسیله آن غذاهای مناسب و سالم به بدن حیوانی وارد شود ، نزدیک چشم قرار گرفته ؛ چون احتیاج مبرمی در تشخیص خوراک ، و مواد غذایی بآن هست ؛ و محلیکه فضولات غذا از آنجا دفع میگردد دور از اعضاء رئیس خلق شده است .

آیا وجدان تو در مقابل این همه اسرار هنوز مردداست که این کارگاه اسرار آمیز خلقت را به یک آفریننده دانای توانا نسبت دهد یا به تصادف و اتفاق ؟

اراسته بودیم : آری کوچکترین دقت در موجودات زنده جهان ما را به یک معبد علم و قدرت که تمام هستی از آن سرچشمه گرفته است هدایت میکند .

سقراط : قدرت تولید مثل که بمنظور حفظ نظام ؛ و بقا ، نوع ، در اعماق طبایع موجودات بودیعه گذاشته شده ، و در بای مهر و محبتیکه در دل مادران نسبت بفرزندان در جوش و خروش است و بآنها در راه نگهداری بچه ها و غذا دادن بآنها به تحمل هر گونه

مشقتهای طاقت فرسانیر و میدهد ، و غرائز و شعور های مرموز را نظیر عشق بزندگی
 فرار از مرگ ، که حتی در وجود نوزادها آفریده شده اند بگفته های سابق بیغزا
 تاحقیقت بیشتر جلوه کند .

اربستودیم : شکی نیست که همه اینها دلالت دارند که دست حکیمی در کار است
 که زمین را بمنظور زندگی موجودات زنده در وی مهیا ساخته است .

سقراط : آیا بعد از همه اینها ، گمان میکنی که در این دستگاه با عظمت آفرینش
 تنها تومی که از نعمت عقل و دانش ، بهره مندی ؟ با اینکه بدن تو جز قطعه ناچیزی از زمین
 و قطره بی ارزشی از دریا های بیکران چیز دیگری نیست آیا باور میکنی که در این جهان
 تنها موجودیکه وجود و هستیش بنور تدبیر روشن است تومی ، و همه موجودات دیگر
 در سراسر جهان خلقت با آن نظم و ترتیب حیرت آور بدون تدبیر و نقش حکیمانه
 برپا هستند ؟

اربستودیم : من صانع جهان را با چشم نمی بینم ، تا تصدیقش کنم ، چنانکه مبتکرین
 و مخترعین صنایع دایمی بینم .

سقراط : تو روح خودت را هم که فرمانده تن توانی نمی بینی ممکن است
 بگوئی کارهای تو بدون تدبیر از تو صادر میشود ، و بطور تصادف و اتفاق است ؟
 اینجا سقراط لمن بحث را عوض میکند و مقداری در باره لطف خداوند در اجزای مخلوقاتش
 سخن میگوید : میتوان گفت خداوند عنایت به مخلوقاتش نکرده ؟ ما می بینیم در بین
 همه موجودات زنده انسان را مستوی القامه آفریده تا به آسانی بتواند دور و نزدیک
 را به بیند و در بالای سرش آسمان نیلگون ، در زیر پایش بساط بهناور زمین را ببیند ، تا
 کرده دراز آفرینش آنها دقت و تأمل نماید .

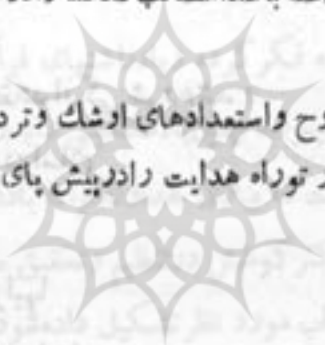
دو دست به اعطای فرموده که احتیاج ما را بوسیله آنها رفع کنیم . بهمه حیوانات
 زبان داده ولی تنها انسان است که میتواند با حرکت دادن زبان حروف و کلمات و

جمالات را بسازد و منویات خود را بخوبی اظهار کند، تا آنجا که میگوید: عنایت خداوند منحصر بامور بدنی نیست بلکه روحی در بشر آفریده که میتواند به بالاترین مرتبه کمال برسد و یگانه هدف از آفرینش بشر تربیت و کمال همان روح است آیامیتوانی در میان همه پدیده های جهان غیر از انسان ، موجود زنده ای را نشان دهی که از نظام جهان خلقت بی به خالق او به برد و اوستایش و پرستش کند .

آیا میشود حیوانی را پیدا کرد مثل انسان برای جلو گیری از تشنگی و گرمی و سردی ، و گرمی حوادث را پیش بینی کرده اقدام نماید ، و نظیر انسان در راه کسب کمال و دانش ، و فضیلت ، ریاضتها بکشد، و ناهمواریها را هموار کند؟ آیا سراغ داریده وجودی مثل انسان نیروی حافظه قوی داشته باشد؛ مطالب گذشته را در خزانه ذهن حفظ کند و در مورد لزوم بیاد بیارد ؟

آیا هنوز هم در نیروی روح و استعداد های او شک و تردید داری ؟

آیا بالینومه ، آفریدگار تو راه هدایت را در پیش پای تو نگذاشته است ؟



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی